

ناصر خردمند ناصر خردمند

حمید ربیعی قهفرخی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر ادبیات ناحیه ۲ شهر کرد

تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی، به خلاف نموده مباش. به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار، تا گندم نمای جو فروش نباشی؛ و اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد و اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن. و به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این فعل کودکان باشد...

(قابوس نامه)

سعدي ذکاوتمندانه می داند که «نصیحت و انسان» و سخت تر از آن «نصیحت و جوان» امری بسیار دشوار و پیچیده است. لذا شیوه و اندرز خود را عموماً در قالب داستان همچون نمونه مذکور پی ریزی می کند و زبان ساده، روان و همه فهم را به تعلیم می گشاید. واژگان متناسب با مخاطب فرضی خود را برمیگزیند. به ویژه در سرآغاز نصایح خویش واژگان چالش برانگیز و تنش زا نظیر «پارسازاده» و «فسق و فجور» را استخدام می کند؛ گویا قصد دارد حواس خواننده را از همان آغاز بر کلام خود متمرکز سازد.

با اطلاع از دل و حوصله مخاطب، جملات را کوتاه برمیگزیند و جایگاه و ترتیب بندی نقش نحوی کلام را به

کلیدواژه ها: گلستان، قابوس نامه،

اندرز

پارسازاده ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.

باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن که می گویند ملاحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد

به سالی دجله گردد، خشک رودی

عقل و ادب، پیش گیر و لهو و لعب بگذار

که چون نعمت سپری شود، سختی بری

و پشیمانی خوری، پسر، این سخن در

گوش نیارد و بر قول من اعتراض کرد

و گفت:

برو شادی کن ای یار دل افروز

غم فردا، نشاید خورد امروز

دیدم که نصیحت نمی پذیرد و دم گرم

من در آهن سرد او اثر نمی کند؛ روی

از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار

بستم که گفته اند:

گر چه دانی که نشنوند، بگوی

هر چه دانی ز نیک خواهی و پند

زود باشد که خیره سر، بینی

به دو پای او افتاده، اندر بند

دست بر دست می زند که دریغ

نشنیدم حدیث دانشمند

(گلستان، باب هفتم)

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادتمند پند پیر دانا را (حافظ)

چکیده

از دیرباز تاکنون بشر هیچ گاه از امر تعلیم و تربیت بی نیاز نبوده است. او عمدتاً در وهله اول نصیحت گریز است و تحمل شنیدن اندرز را دشوار و عمل به آن را ناممکن می داند و دوست دارد خود مستقیماً مبنای تربیتی را تجربه کند اما دیر یا زود، مستقیم یا غیرمستقیم متوجه می شود که از رهنمودهای دیگران باید بهره مند گردد.

بنابراین، بحث اندرز گویی و اندرز پذیری در زندگی بشر، دو امر گریزناپذیر است و تجلی و گستردگی آن ها را در متون ادبی و مذهبی در رأس هرم اخلاقیات می بینیم. بنابراین، آنچه در تحقق اندرز بسیار حائز اهمیت و کارساز است، گزینش کلام و چگونگی طرز بیان است که عمدتاً به دلیل عدم رعایت اصول و موازین اندرز گویی، کم اثر و ناکارآمد است.

در این مقاله، نگارنده حکایت سعدي مندرج در صفحه ۳۳ کتاب علوم و فنون پایه دهم و درس دوم کتاب فارسی دهم از «قابوس نامه»، را به عنوان دو نمونه متن تعلیمی - تربیتی در سه قلمرو زبانی، ادبی و به ویژه فکری تبیین کرده است.

درستی رعایت می‌کند هر چند کلام ادبی نحو کلام را برهم می‌ریزد. سعدی از طریق موسیقی، به‌ویژه سجع، و رعایت اعتدال بدیع و بیان و آوردن تمثیل و استشهد شعری تأثیر کلام خود را ارتقا می‌بخشد و زبان عادی کلام خود را به زبان ادبی قابل فهم مزیّن می‌کند.

درباره شیوه نصیحت‌گری سعدی دو نکته حائز اهمیت و قابل تأمل جریان دارد که در قابوس‌نامه کمتر به چشم می‌خورد: یکی شیوه گفت و شنود و دوطرفه‌گویی و نیز فرصت اظهارنظر به نصیحت‌شونده و نه فقط مسلسل‌وار گفتن و انتظار سکوت مطلق از او داشتن.

دیگر اینکه سعدی وقتی «دم گرمش بر آهن سرد اثر نمی‌کند»، کوتاه نمی‌آید و قهر و غضب و لج‌بازی بر او مستولی نمی‌شود، بلکه قول حکما، عرفا، بزرگان و ... را به کار می‌بندد و این شگرد شگرف او معنادار است. هم آداب نصیحت را به ناصحان می‌آموزد و هم شیوه‌های رایج تربیتی محض‌گویی و تک‌صدایی را کنار می‌زند و به جای آن‌ها، شیوه‌های چند صدایی را می‌نشاند و ای بسا به کمک کلام حکما، به قول خودش «بر سنگ سراچه دل‌ها» نفوذ کند؛ هر چند آن کلام نیز بر ساخته و آفریده ذهن و ضمیر خلاق چند بعدی او باشد.

در مکتب تعلیم و تربیت سعدی، آشکارا می‌بینیم که نصیحت‌شونده پویا و متغیر است؛ برخلاف قابوس‌نامه که در آن نصیحت‌گر فردی ایستا و غیرفعال است و هیچ طبقه‌ای از طبقات اجتماعی از تیررس نصایح او در امان نیستند و به‌ویژه طبقات اسم و رسم‌دار جامعه. این نیز حاکی از نگاه عقاب‌آسای سعدی و مبتنی بر اصول اعتدال‌پرور و عدالت‌محور اوست. او خوب فهمیده است که نیروی گریز از مرکز و در دام لغزش و خطا افتادن، هم‌زاد و همراه انسان است و به‌راحتی نمی‌توان کسی را از آن مصون پنداشت.

به گمانم چون رنگ فضل فروشی، تکبر و آمرانگی در کلام سعدی نیست و اندرزهایش هم سرشار از صداقت، محبت، عاطفت و صمیمت‌اند، خشک و رسمی و

تجربیدی و پیچیده نیستند و واقع‌بینانه انسان را با تمام زیبایی و زشتی، خوبی‌ها و بدی‌ها به تصویر می‌کشند، لاجرم کلامش بر دل می‌نشیند و از برجسته‌ترین اندرزها محسوب می‌شود.

اما قابوس‌نامه:

تفاوت فاحشی که در تعلیم و تربیت متن قابوس‌نامه به چشم می‌آید، این است که شیوه اندرزی آن بر خلاف گلستان یک‌طرفه، مسلسل‌وار، آمرانه، خودمحور و غیرداستانی است.

گاهی برای تأکید بر کلام خود ارسال

در مکتب تعلیم و تربیت سعدی، آشکارا می‌بینیم که نصیحت‌شونده پویا و متغیر است؛ برخلاف قابوس‌نامه که در آن نصیحت‌گر فردی ایستا و غیرفعال است و هیچ طبقه‌ای از طبقات اجتماعی از تیررس نصایح او در امان نیستند و به‌ویژه طبقات اسم و رسم‌دار جامعه

که فهم کلام صاحب قابوس‌نامه را بالا برده است. در نمونه بالا، جز تضاد و ارسال مثل، آرایه‌ای در کلام او دیده نمی‌شود. استشهد شعری در سرتاسر قابوس‌نامه بسیار اندک است. پندها بیشتر جنبه عملی و ساده دارند و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی هستند.

دو نکته برجسته‌ای که در شیوه اندرزی «قابوس‌نامه» مشهود است، یکی نصایح واقع‌گرایانه نویسنده کتاب به انسان است که طرز بیانش حاکی از آن است که نباید در اصول تربیتی با انسان قدیس‌وار برخورد کرد و امیال سرکش نفسانی درون او را نادیده گرفت. وی اندرزش را متناسب با دو بعد بشری پی‌ریزی می‌کند.

نکته دیگر، نصایح تجربه‌گرایانه او خطاب به انسان است. او که خود و ناصحان دیگر را از خبط و خطا مستثنا نمی‌داند، با صراحت تمام، بی‌هقی‌وار، آنچه را در زندگی عملی خویش تجربه کرده و نفع و ضررش را چشیده است، به فرزند خود توصیه می‌کند اما کلامش آن‌چنان به ضمیر انسان می‌نشیند و او را از حسرت و اندوه برافروخته می‌کند که بی‌اختیار برخورد مهمیز تنبه و تحول می‌زند و مدت‌ها از عملکرد خویش مات و مبهوت می‌ماند.

این سحر کلام صاحب قابوس‌نامه مبتنی بر صداقت و عاطفت و جوانمردی و فروتنی اوست، که خدایش بیمارزد.

نتیجه اینکه دانش‌اندوزی کم و بیش در نظام آموزش ما اتفاق می‌افتد. اما تربیت‌پذیری بسیار سخت است و سازوکار خود را می‌خواهد. به‌حق در درس نمونه، خردمندانه و دلسوزانه بر تارک دروس کتب درسی نشسته‌اند و نیز می‌توان از اندرزهای سازنده این دو اثر ارزشمند برای اصلاح فرد و اجتماع به خوبی بهره‌مند شد.

منابع

۱. گروه مؤلفان کتب درسی. (۱۳۹۵). علوم و فنون ادبی (۱) چاپ اول. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲. گروه مؤلفان. (۱۳۹۵). فارسی (۱). چاپ اول. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.